

نشست خبری

رئیس سازمان سینمایی در نشست مجازی: مینابرگزاری جشنواره فجر است و سراغ اکران آنلاین نمی‌رویم

دومین نشست خبری رئیس سازمان سینمایی پس از گذشت ۱۵ ماه و به صورت مجازی برگزار شد. حسین انتظامی درباره برگزاری جشنواره فیلم فجر گفت: شاید بشود ظرفیت‌هایی برای برگزاری جشنواره فیلم کوتاه و مستند به شکل آنلاین ایجاد کرد، اما درباره جشنواره فجر فعلاً بنا بر برگزاری آن است و اگر به دلیل کرونا نتوانیم به شکل سابق برگزار کنیم، در صورتی که نتوانیم امنیت فیلم‌ها را تضمین کنیم، سراغ اکران آنلاین هم نمی‌رویم. وی در پاسخ به اینکه چه اصراری به باز بودن سالن‌های سینمایی هست وقتی مخاطب ندارد و چرا اکران آنلاین بیشتر حمایت نمی‌شود؟ گفت: اصراری که سینماگران دارند بخاطر نیروهایی است که در این سینماها کار می‌کنند و اگر اکران کاملاً متوقف شود آسیب جدی وارد می‌شود. البته مطلقاً مصوبه ستاد کرونا بازگشایی سینماها کاملاً داوطلبانه است، اما در عین حال باید سیاست‌هایی داشته باشیم تا اکران آنلاین بیشتر استقبال کنیم. انتظامی در پاسخ به سوال دیگری درباره اینکه چرا سازمان سینمایی صدور مجوز در بخش VOD را راحت در اختیار صداوسیما گذاشته است؟ توضیح داد: مادر فناوری‌های نویدپاز، جمله‌وی‌اودی نیازمند تعریف جدیدی در حکمرانی فضای مجازی هستیم تا بر داشت متفاوت دستگاه‌ها اصلاح شود. مراجع تخصصی در حال بررسی هستند تا بعد از جمع‌بندی مبنای عمل دستگاه‌ها قرار گیرد. وی در ادامه درباره امکان اکران آنلاین فیلم «رستخیز» در محرم‌امسال بیان کرد: مجوز عرضه این فیلم در شبکه نمایش خانگی در سال ۱۳۹۸ صادر شده است، بنابراین این موضوع از نظر سازمان سینمایی منعی ندارد و این به تصمیم مالکان فیلم بازمی‌گردد. البته فآرایی یکی از مالکان فیلم است ولی برای اکران باید اتفاق نظر وجود داشته باشد.



انتظامی درباره راه‌اندازی سیستم شورای صنفی نمایش برای اکران آنلاین گفت: در این باره پیشنهادی مطرح شده که با حضور صنف، شورای صنفی نمایش آنلاین هم داشته باشیم تا هم ترافیک را کنترل کنند و هم ضوابط و مقررات را به شکل صنفی با هم بررسی کنند، بویژه آنکه گفته شده برخی آمار در این حوزه قابل استناد نیست بنابراین از اصل این ایده استقبال می‌کنیم. رئیس سازمان سینمایی در بخشی از این نشست تأکید کرد که اگر جشنواره‌ای برگزار نشود بودجه آن را در جایی دیگر نمی‌توان صرف کرد مگر با توافق‌های اصلاحی با سازمان مدیریت بودجه. با این حال بیشتر در صدد هستیم تا جشنواره‌ها را بخاطر کشف استعدادها و ایجاد نشاط در حوزه تولید برگزار کنیم. انتظامی درباره رفع توقیف برخی فیلم‌ها مثل «گزارش یک جشن» یا «ادتمند، تینا، بهاره، نازنین» و اینکه امکان صدور مجوز آن‌ها تا پایان دولت هست یا خیر؟ گفت: این به شورای نظارت و ارزشیابی برمی‌گردد که در صورت درخواست بررسی کند. رئیس سازمان سینمایی درباره حاشیه‌های خانه سینما در برخورد با صنف مختلف و دیدگاهش نسبت به نقش صنف در مدیریت سینما گفت: یکی از سیاست‌های عمومی دولت عقب‌نشینی به نفع صنف است و همین شورای صنفی نمایش از ترکیباتی است که وظایف کلیدی دارد و در صنف هم هست، بنابراین هر چه مشارکت بیشتر باشد به دوام کار، کمک بیشتری می‌شود و در این راستا تفاهم‌نامه‌هایی میان سازمان سینمایی و خانه سینما وجود دارد و هر آنچه اتفاق افتاده است شادمانی موجود است. وی در پاسخ به وضعیت پروژه‌های سینمایی در حال تولید و رعایت پروتکل‌های بهداشتی در آن گفت: اصل اول برای همه ما تولید است و در شرایط فعلی سلامتی سینماگران در تولید ستاد کرونا اولویت فازبندی‌هایی انجام شد که در مرحله اول اولویت با پروژه‌هایی بود که فقط چند جلسه از فیلمبرداری باقی مانده بود. برای مراحل بعد پروتکل‌هایی تهیه شد که منتشر شد تا اعضای گروه‌ها در جریان حقوق خود باشند که اگر تخطی صورت گرفت به سازمان سینمایی یا مراجع ذی‌ربط اطلاع دهند.

نبود یک انسجام مضمونی و نوسان اجزای اپیزودهای مختلف و تأکید بیهوده روی فراوانی اپیزودها، «هفت و نیم» را مخدوش نشان می‌دهد. فیلمی که چند ایده جسورانه را به باد می‌دهد و حتی بانسخه‌ای چون «اور یون» در همین سینمای مستقل ایران، قابل قیاس نیست

هیچ نگاه نقادانه‌ای هم ندارد و از این لحاظ هم با کلیت اثر همگن نیست و بیرون می‌زند. هفتم شکر که بعد از اپیزود راحیل، ضعیف‌ترین است و از حیث ضعف در رتبه دوم قرار می‌گیرد، دختر گل فروشی که قربانی شب نشسته و قمار پدر می‌شود. اما لحظه می‌کنید که همین نیم‌خطی‌اش هم آکنده از کلیشه است. دوبای‌یگر نوجوان این اپیزود هم در حد سریال‌های شبکه یک صدا و سیما نقش آفرینی می‌کنند و کارگردان هیچ کنترلی روی زبان بدن آن‌ها ندارد. واضح است که حداقل دختر گل این اپیزود، به قولی بالا شهری‌ست و در راه رفتش کرشمه و حتی تفرعن دارد. این جا هم بکارت مساله ثانویه است و مساله اساسی وضعیت مهاجران و زغنه‌نشینی و حتی شاید آسیب قمار است. انگار کارگردان خواسته هفت اپیزود داشته باشد و آن به عدد هفت رسیدن برایش مساله مهم‌تری بوده!

در هر صورت نبود یک انسجام مضمونی و نوسان اجزای اپیزودهای مختلف و تأکید بیهوده روی فراوانی اپیزودها، «هفت و نیم» را مخدوش نشان می‌دهد. فیلمی که چند ایده جسورانه را به باد می‌دهد و حتی بانسخه‌ای چون «اور یون» در همین سینمای مستقل ایران، قابل قیاس نیست. فیلمی که تمرکز رویایی دارد و کاراکترهایش تا سال‌ها بعد در ذهن می‌ماند، اما «هفت و نیم» همان مقاله‌ی روزنامه‌ای‌ست که شاید فردا برای شیشه پاک کردن، مصرف می‌شود و منقضی!

در واقع مساله «ترنس» هامطرح می‌شود و نیلوفر در آستانه عروسی‌اش مقابل پدر، دست به افشاشگری می‌زند. فیلمساز باز هم نگاه سنتی را نقد کرده، اما بکارت اینجا مساله اصلی نیست، مساله‌ای در لایه‌های زیرین روایت است. از دست رفتن بکارت در یک رابطه نامشروع و یاد یک تجاوز با مساله ترنس‌ها به طور کلی فرق دارد. در واقع این یک مساله بیولوژیک است، تجاوز یک آسیب اجتماعی است و بکارت یک مساله مربوط به حوزه خصوصی.

پنجم «ناهید» که از حیث مضمون، بسیار نزدیک به اپیزود اول است. آن جا یک دختر بچه مهاجر در یک فرآیند غلط، قربانی تجاوز شده بود و اینجا یک دختر بالغ که قصد مهاجرت به آلمان دارد برای کسب مدارک احراز هویت مجبور به ازدواج صوری می‌شود. بکارت دوباره در این اپیزود به مساله ثانویه تبدیل شده، مساله اولیه حقوق مهاجران افغان در ایران است. در واقع این بیشتر مانیفستی در جهت احقاق حق جماعتی است که تحت تأثیر آسیب‌های این چنینی قرار دارند و حالا در این میان بکارت هم به عنوان یک خرده آسیب در این میان گاه مساله می‌شود، اما حداقل در داستان ناهید، مساله اولیه نیست. گواهی که اگر او مدارک شناسایی داشت نیازی به ازدواج صوری نداشت.

ششم «احیل» پرت‌ترین و ضعیف‌ترین اپیزود فیلم که مملو از سهل‌انگاری‌ست. گروهی نابز یگر در یک اتاقک به فاجعه‌بارترین شکل ممکن دیالوگ می‌گویند و اساساً خرده داستان این اپیزود از آن ملودرام آبی‌های ترکی‌ست. دختر و پسر که با هم بودند و حالا دختر در آستانه یک ازدواج قرار دارد، برای جور کردن عمل زنانه‌اش مجبور می‌شود از نامزد قبلی‌اش پول بگیرد! طرح این اپیزود و شکل اجرای آن در حد تئاترهای دبیرستانی‌ست. باز در آن‌ها نوعی از یک کار خلاقانه‌ی بکر وجود دارد و ترغیب به کنش می‌کند، اینجا که همه چیز کلیشه‌ای و فاجعه‌بار است و بدتر این که با هیچ کدام از اپیزودها هم اشتراک معنایی ندارد. یک اپیزود بی‌حاصله‌الصاق شده به فیلم که کش نبود و جارا برای بقیه بازمی‌کرد. ضمناً



کلیت این قسمت هم قابل قبول است، حداقل دیالوگ‌ها سالم و رو به جلو است.

سوم «فرشته» که از حیث فیلمبرداری، باز یگوشانه‌ترین و در عین حال جسورترین، اپیزود فیلم است. ما با فرشته روی تخت یک مطب آشنایی شویم، او آمده که چیزی که در رابطه‌ی نامزدی‌اش از دست رفته را به خاطر ارضای نگاه اطرافیان در آستانه مراسم ازدواجش احیا کند. از حیث تیپ‌بندی این اپیزود کاملاً در کمال روایت‌قبلی‌جامی گیردو اینجامه مساله خانواده شوهر و بکارت قبل از ازدواج مطرح است. این روایت به راحتی می‌شد حذف شود و به ساختمان کلی فیلم هم نه تنها آسیب نمی‌زد بلکه جایی برای بسط اپیزودهای بعضاً سردرگم را می‌داد، حرف و مساله «تگار» و «فرشته» یکی‌ست و در واقع.

چهارم «نیلوفر» که اولین انحراف در فیلم را از همین‌جا می‌بینیم، اپیزودی که البته بسیار ماهرانه اجرا شده و اصلاً آن فضای گاوداری و حضور و غیاب هوشمندانه دوربین و نحوه بیان دیالوگ‌ها همه جاندار و واقعی‌ست اما از حیث مضمون، انحراف اتفاق افتاده اینجا

رفته، ممکن نیست اما خب می‌شد در یک فرمت‌انزاعی و با بسط دادن مضمون، کار را عمیق‌تر داد. کلام نقش هم‌افزایی دارد و جایگزین یک امر بصری نیست و نمی‌تواند باشد، انصافاً البته این اپیزود جزو خوب‌های فیلم است.

دوم «تگار» که نقشش را هستی مهدوی فریفا می‌کند و نامزدش محراب، با بازی محمد رضا فغاری از درک او عاجز است. این اپیزود، یادآور فیلم «خانه دختر» است. آنجا هم رعنا آزادی‌ور در نقش دختری بود که توسط خانواده همسرش برای آزمایش بکارت قبل از ازدواج تحت فشار بود. اگر در اپیزود اول، بکارت تحت تأثیر یک مساله فرامی‌تابی (مهاجرت) از دست رفته بود و فیلسماز تلویحاً نوک پیکان انتقادش را به سمت ناسامانی‌های منطقه‌ای گرفته بود. این بار تماماً مساله، نقد نگاه‌های احتمالاً به زعم فیلمساز متحجر و واپس‌گراست که زندگی یک دختر در خانه‌ی تنها را برابر با بی‌بند و باری اخلاقی می‌دانند. نقد سنت مساله اپیزودی‌ست که کم است، خصوصاً در باره محراب که سردرگم و بلا تکلیف است اما

اولین ضربه به فیلم از همین ناحیه وارد می‌شود، تیپ‌ها جای شخصیت‌ها را گرفته‌اند و جهان داستان‌ها، جهان منحصر به فرد به یادماندنی نیست. این کلیشه هم نیاز به گفتن ندارد که وقتی جهان خلق شده توسط هنرمند، یگانه نباشد، چیزی ادامه پیدا نمی‌کند، صفت ماندگاری خلق نشده و پس فرایند خلق، ناقص می‌ماند و گویی چنین کارگردان، برساند او مستقیم و بلاواسطه حرفش را می‌زند.

غرض از مقدمه این بود که فیلم «هفت و نیم» ساخته نوید محمودی در پرداخته به یک مقاله ژورنالیستی نزدیک می‌شود. انتخاب ساختاری اپیزودیک برای یک فیلم، دشواری‌های گسترش داستان را کمتر می‌کند و می‌شود در اجرایی مینی‌مال‌تر کار را جلو برد، اما همزمان چنین ساختاری کار را برای تعمیق داستان و شخصیت‌پردازی محدود می‌کند. حالا اگر تعداد اپیزودها بیشتر هم باشد که کار سخت و سخت‌تر می‌شود.

لاجرم فیلمساز مجبور است به کلیشه‌ها پناه ببرد، به کلیشه پناه بردن همان و جایگزینی تیپ به جای شخصیت همان. در «هفت و نیم»

ایمان عبدلی

تفاوت یک متن ژورنالیستی با یک فیلم سینمایی یا یک اثر داستانی چیست؟ در مقاله‌ای که برای روزنامه نوشته شده، تحلیل و آسیب‌شناسی وقایع مهم‌ترین رکن است. نویسنده نمی‌خواهد و البته نیازی هم ندارد که کاراکتر و داستانی بسازد تا حرفش را برساند او مستقیم و بلاواسطه حرفش را می‌زند.

غرض از مقدمه این بود که فیلم «هفت و نیم» ساخته نوید محمودی در پرداخته به یک مقاله ژورنالیستی نزدیک می‌شود. انتخاب ساختاری اپیزودیک برای یک فیلم، دشواری‌های گسترش داستان را کمتر می‌کند و می‌شود در اجرایی مینی‌مال‌تر کار را جلو برد، اما همزمان چنین ساختاری کار را برای تعمیق داستان و شخصیت‌پردازی محدود می‌کند. حالا اگر تعداد اپیزودها بیشتر هم باشد که کار سخت و سخت‌تر می‌شود.

لاجرم فیلمساز مجبور است به کلیشه‌ها پناه ببرد، به کلیشه پناه بردن همان و جایگزینی تیپ به جای شخصیت همان. در «هفت و نیم»

گفت و گو

باز خوانی یک گفتگوی قدیمی با ماه چهره خلیلی

حسرت می‌خوردم که چرا زمان کافی ندارم

دلیل این که به آموز‌شگاه استاد سمندریان رفتم این بود که بعد از «چشمان سیاه» برای «ازدواج به سبک ایرانی» به دفتر حسن فتحی دعوت شدم. مشکلی که آن زمان داشتم این بود، چون فقط یک سال از آمدن به ایران می‌گذشت ته لهجه داشتم. ته لهجه‌ای که هیچ کس از روی آن متوجه نمی‌شد که من از انگلیس آمده‌ام. من همان‌جا هم که بودم تحصیلات فارسی و تحصیلات قرآنی داشتم و به کلاس‌های شعر و خط می‌رفتم. پدر و مادرم اصرار داشتند که من با فرهنگ ایرانی بزرگ شوم و این فرهنگ را حفظ کنم. حدود ۲۰ سال بود که ایران نیامده بودم و آن‌ها به هیچ وجه نمی‌خواستند که من ریشه‌هایم را فراموش کنم. هنگام فارسی صحبت کردن گاهی کلمه کم می‌آورد ولی در کل خوب حرف می‌زدم و لهجه‌ای که داشتم، لهجه انگلیسی نبود.

هیچ وقت استاد سمندریان را فراموش نمی‌کنم. به یاد دارم که ایشان از تکنیک‌های خاصی برای اصلاح لهجه من استفاده می‌کردند و می‌گفتند تلفظ‌ها را این‌گونه بگویا آهنگ جملات

ماه چهره خلیلی را با سربال‌های تاریخی از جمله مختار نامه و کلاه پهلوی و فیلم‌های سینمایی از جمله «چشمان سیاه»، «مرگ کسب و کار من است»، «تله»، «نقاب» و «پرنده باز» می‌شناختم، این بخشی از یک گفتگوی قدیمی با او است که توسط خبرگزاری صبا انجام شده و به یادش در این جا باز نشر می‌شود، او جمعه گذشته به دلیل ابتلا سرطان کبد در لندن درگذشت.

شما در سال ۸۲ برای بازی در فیلم «چشمان سیاه» به کارگردانی ایرج قادری بعد از ۲۲ سال به ایران آمدید و دوره بازیگری و کارگردانی را در موسسه سمعی و بصری استاد سمندریان در سال ۸۴ پشت سر گذاشتید. با توجه به اینکه فعالیت خود را با اثری سینمایی و نه تئاتری آغاز کرده‌اید، چه شد که به جای رفتن به آموزشگاه‌های سینمایی، آموزشگاه تئاتری و به طور مشخص کلاس‌های استاد سمندریان را انتخاب کردید؟



بازی در تئاتر هم داشتیم. از سوی دیگر تقریباً به صورت هم‌زمان در سه مجموعه «در چشم باد»، «مختار نامه» و «کلاه پهلوی» حضور داشتم و اتفاقاً پیشنهادهای تئاتری زیادی هم می‌گرفتم. هر سه پروژه‌هایی تاریخی، سنگین و الف‌ویژه بودند. مشکل این بود که به علت عظمت و سنگینی این پروژه‌ها فرصتی برای تمرین و اجرای تئاتر نمی‌ماند.

در ۱۲ و ۱۳ سالگی که فعالیت هنری می‌کنم، هشت سال را به صورت متوالی در پروژه‌هایی بودم که به آن‌ها اشاره کردم. «در چشم باد»، «کلاه پهلوی» و «مختار نامه» گاهی اوقات از نظر زمان فیلمبرداری، با یکدیگر هم‌پوشانی داشتند و از یک زمان به بعد «تردبان آسمان» محمدحسین لطیفی و «گذر از رنج‌ها» به کارگردانی فریدون حسن‌پور هم به آن اضافه شد. این‌ها پنج پروژه سنگین تاریخی بودند که به من اجازه کار تئاتر نمی‌دادند. هر زمان که به من پیشنهاد بازی در تئاتر می‌شد، حسرت می‌خوردم که چرا زمان کافی برای پذیرفتن آن ندارم. بین آن پنج پروژه تلویزیونی، تقریباً در حدود ۳۰ فیلم سینمایی هم حضور داشته‌ام که واقعا مدیریت زمان، برای انجام دادن همه این کارها امری دشوار بود.